**ری و طهران**

**جمالزاده، سید محمد علی**

امروز وقتی شما بقصد سیر و سیاحت و فال و تماشا و زیارت شه عبد العظیم و دیدن یار،سواره یا پیاده طهران را پشت‏سر گذاشته از دروازهء جنوبی شهر بیرون شده بجانب حضرت عبد العظیم روانه‏ میگردید،و پس از پیمودن سه چهار کیلومتر در طرف دست راست بامامزاده عبد الّله و در دست چپ‏ بچشمه علی و ابن بابویه و برج طغرل میرسید،هیچ بخاطرتان خطور نمیکند که مدتی است وارد شهر بزرگی شده‏اید که ری نام داشته و شهرت جهانی داشته،و پس از بغداد معتبرترین شهر در اقلیم شرقی‏ اسلام بوده است،و دارای کاخها و عمارتها و مسجدها و بازارها بوده است‏‘و در بالای همین امامزاده‏ عبد الّله و ابن بابویه در راه طهران چندین دروازهء بزرگ باسم:دولاب و دروازهء مهران(نه تهران) و دروازهء بلیسان بسوی شمال یعنی بجانب شمیران و قصران داخل و قصران خارج باز میشده است.

بله،شما در آنجا وارد قسمت شمال غربی شهر تاریخی بزرگی شده‏اید که در حدود یک فرسخ‏ و نیم طول و یک فرسخ و نیم عرض داشته است و بصورت خیک عظیم باد کرده‏ای که گلوگاهش در سمت شمال غربی و حضرت عبد العظیم در کنار آن در جانب غرب و قسمتهای شرقی و جنوبی آن بسوی‏ خراسان و ورامین و قم ممتد باشد و تمام آن سرزمین وسیع را میپوشانیده و قرنهای متمادی مرکز قدرت و ثروت و شهرت بوده است،و طهران،پایتخت کنونی ممالک محروسهء شاهنشاهی که با دو ملیون نفوس بزرگترین شهر خاورمیانه است،در آن زمان دهکدهء کوچک بی‏نام و نشانی از دهکده‏های‏ آن شهر بیش نبوده است.

وقتی شما از ابن بابویه بجانب جنوب یعنی بازار کنونی و حرم عبد العظیم راه میافتید هیچ‏ تصور نمیکنید که پاهای شما خاکی را لگد میکند که قرنها پیش ازین کتابخانه و روضهء مشهور صاحب بن عباده بوده است،و این رادمرد بسیار بزرگ درست هزار سال پیش ازین یعنی در سال 385 هجری در همین‏جا جان بجان آفرین تسلیم نمود و کتابخانه‏ای باقی گذاشت که دارای یکصد و هفده‏ هزار جلد کتاب بود.بی‏خیال و آسوده دل بجلو میروید و هیچ متوجه نیستید که بروی ویرانهء سرای‏ حسن صباح قدم می‏نهید.

آیا جای آن ندارد که قدری قدم را سست نمایند و با دیدهء عبرت‏بین و فکر حقیقت شکاف‏ لحظه‏ای چند قرون و دهور گذشته و نابود شده را از نو زندگی بخشید و گذر زمان را در نظر آورده و اشارت بجهان گذران زیر لب زمزمه نمائید:

کسری و ترنج زر،پرویز و ترهء زرین‏ بر باد شده یکسر،با خاک شده یکسان‏ گوئی که نگون کردست ایوان فلک وش را حکم فلک گردان یا حکم فلک گردان‏ دندانهء هر قصری پندی دهدت نونو پند سر دندانهء بشنو ز بن دندان‏ گوید که تو از خاکی ما خاک توایم اکنون‏ گامی دو سه برما نه اشکی دو سه هم بفشان‏ از نوحهء جغد الحق مائیم بدرد سر از دیده گلابی کن درد سر ما بنشان بله،چنین شهر با فخامتی اکنون تقریبا هشتصد سال تمام است که یکسره ویران گردیده‏ و از میان رفته است و تنها گاهی سفالها و کاسهء و کوزه‏های شکستهء خوش‏رنگ و نقش و خوش‏لعابی‏ که از زیر خاک تلها بیرون میآید و در بازارهای دنیا خریدار بسیار دارد و بقیمتهای گران خرید و فروش میشود و زیب موزه‏ها و طالارهای هنری است؛یادگاری است که از روزگاران گذشته سخن‏ میراند و انسان خواهی نخواهی باید اقرار نماید که اگر درین جهان حقیقی باشد همین است و جز این نیست که:

«کل من علیها فان.و یبقی وجه ربک ذوالجلال و الاکرام.»

اکنون باید دید که شهر ری چگونه شهری بوده است‏1

قسمت اول

نام این شهر ایرانی بسیار قدیمی در پارسی باستان«رگا»و در کتاب اوستا«رغا»و در زبان‏ پهلوی«رگ»و در یونانی«رغه»(در تمام این کلمات حرف اول مفتوح است)و در زبان ارمنی«ر» (بکسر اول)،و در نزد نویسندگان عرب«الری»بوده است.نام این شهر در کتیبهء مشهور داریوش در بیستون هم یاد شده است.

وسعت این‏شهر یک فرسخ و نیم در یک فرسخ و نیم و یا یک فرسخ در یک فرسخ بوده است و باید دانست که تنها قسمت غربی آن قدیمی و از دورهء قبل از اسلام است در صورتی که قسمت شرقی آن‏ مستحدث و از بناهای دورهء اسلامی است.

در تاریخ آمده است که نعیم(بضم نون)مقرن(اولی بروزن قریش و دومی بروزن معظم)شهر پس از فتح قدیم را خراب کرد و مرزبان شهر را که موسوم به زینبدی‏2بود و عربها زینبی میگفتند

(1)-تقریبا تمام مندرجات قسمت اول این مقاله ماخوذ و اقتباس است از کتاب بسیار نفیس و محققانه‏ای که بنام«طبرسی و مجمع البیان»بقلم دانشمند فاضل و دقیق آقای دکتر کریمان در دو جلد بزرگ در سال 1340 و 1241 شمسی در طهران بشمارهء 760 و 761 از انتشارات دانشگاه‏ طهران بچاپ رسیده است.باید دانست که در عنوان کتاب کلمهء طبرسی را که در اصل تفرشی است‏ باید بروزن همین کله اخیر تلفظ نمود.

در هرصفحه از صفحات این کتاب علایم دقت و تفحص فراوان ظاهر است و خود دکتر کریمان‏ در مقدمه تذکر داده‏اند که به«بیش از هشتصد کتاب و رساله و مقاله که در آن احتمال استفادتی میرفت‏ رجوع»فرموده و«از قریب دویست و شصت کتاب که نام آنها در فهرست منابع مذکور است با ذکر صفحه و سطر نقل مطلب گردیده»است.خداوند بچنین دانشمند باهمتی توفیق و اجر جزیل عطا فرماید.

(2)-آقای دکتر کریمان درباره این قلعه تذکر داده‏اند که جواهر کلام در«تاریخ طهران» گوید بنابر تحقیقات و اطلاعات نگارنده قلعهء«ری بندی»که مهدی خلیفه عباسی بنا نمود بالای‏ همین کوه چشمه‏علی و روی تخته‏سنگ بوده چنانکه حالا هم آثار آن باقی و نمودار است و نیز احتمال میرود که قلعهء طبرک همین قلعهء ری بندی بوده باشد و سایرین آنرا باین اسم موسوم ساخته‏ باشند».اما چنانکه دیده شد بنای این قلعه را بمرزبان ری که نامش را زینبدی نوشته‏اند نسبت‏ داده‏اند و باید دید آیا در میان اسمهای ایرانی(مثلا در کتاب مشهور«کتاب نامهای ایرانی» تالیف خاورشناس معروف آلمانی یوستی)چنین نامی وجود دارد و یا آنکه این کلمه تحریف شده‏ و بدین‏صورت درآمده است.

امر نمود که شهر جدید را بسازد و بعدها مهدی عباسی بهنگام خلافت منصور شهری را که پس از آن‏ مردم در آنجا ساکن شدند بساخت و بر گرد آن خندقی پی افکند و قلعهء زینبدی را مرمت کرد.

این شهر از امهات بلدان و یکی از مفاخر اسلام بشمار میرفت.در زمان خلافت عمر پس از فتح معروف نهاوند در سال 23 هجرت ری بدست اعراب افتاد و در میان مسلمانان دارای اعتبار عظیمی گردید و معروف است که عمر سعد بطمع حکومت بر آن شهر به کربلا بجنگ حضرت امام‏ حسین علیه السلام رفت‏1.

پس از بغداد در شرق شهری آبادتر از شهری ری وجود نداشت و این شهر را که اعراب«محمدیه» هم میخواندند اصمعی«عروس دنیا»نامیده است.

کتاب«مسالک و ممالک»تالیف اصطخری(متوفی در سال 322 هجری قمری)ظاهرا قدیمیترین کتابی است(از تورات و مورخین و مولفین غربی گذشته)که دربارهء شهر ری تفصیلاتی‏ در آن میخوانیم و بطور عموم سایر جغرافیون نیز آنچه را درین خصوص بعدا نوشته‏اند ماخوذ از هموست.در ترجمهء فارسی«مسالک و ممالک»که در قرن پنجم و ششم هجری انجام یافته است‏2دربارهء ری چنین آمده است:

«و بزرگترین شهری ازین که یاد کردیم از عراق گذشته بر حدود مشرق شهر ری است و دروازه‏های معروف دارد:یکی را دروازهء باب طاق‏3خوانند که سوی کوهستان و عراق‏رو دو دروازهء بلسان که سوی قزوین رود و دروازهء کوهک‏ها4سوی قم.«و بازارها و محله‏های معروف در ری‏ هست چون روده و بلیسان و دهک نو و نصر آباد و ساربانان و باب الجیل و در هشام و روده از همه‏ آبادترست،و کاروانسراها و بازارها و بازرگانیهای بسیار آنجا باشد و در شارستان وی مسجد آدینه‏ است و گرد بر گرد شارستان دیوار است و شارستان بیشتر خراب است و بر ربض‏5آبادان است و آب‏رو و دو آب کاریز دارند و کاریزی هست که آنرا«کاریز شاهی خوانند بر ساربانان گذرد و بیشتر آب از آن خورند و کاریزهای دیگر بسیار است که برآن کشاورزی کنند و معاملت برز و درم کنند و مردمان اهل مروت باشند...و از متاعها کرباسهای نرم خیزد که بآفاق از آنجا برند».و باز همین‏ اصطخری در جای دیگر از کتاب خود(صفحات 166 و 167)گوید:

«و اماری.گفتم که بر حدود ولایت دیلمان است.هم از جبال بود و هم از خراسان.و گذشته از بغداد هیچ شهر در مشرق بزرگتر و آبادان‏تر از ری نیست مگر نیشابور که عرصهء نشابور فراخ است لیکن عمارت و فراخ نعمتی و انبوهی به ری بیشتر است.و در از او پهنای ری فرسنگی‏ و نیم در فرسنگی و نیم باشد.و از کوههای نام برده درین نواحی کوه دماوند که از پنجاه فرسنگ آنرا

(1)-از شعرای اخیر تقی دانش(مستشار اعظم،متوفی در سال 1326 ش)درین باب گفته‏ است:

«زاد مرجانه پی قتل حسین بن علی‏ وعدهء ملکت ری بر پسر سعد بداد» «بهر این ری که به بینی پسر سعد لعین‏ تیر هر کر به حسین بن علی بر نگشاد

(دیوان قصاید،تهران،1337 ش،صفحه 688).

(2)-با اهتمام و همت خستگی ناپذیر ایرج افشار شمارهء 136 از انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب«در سال 1340،طهران بطبع رسیده است(صفحهء 170 و صفحات بعد از آن).

(3)-نسخه،دل«باطان

(4)-نسخه بدل«کوهین».

(5)-بیرون شهر،شهرنو.

بتوان دید و نشنوده‏ام که هیچ آدمی بر سر این کوه رسیده است و در خرافات پارسیان گویند که‏ ضحاک در این کوه است و هر شب جاودان برآوردند1».

ری قدیم در مقابل گنبدی واقع بوده است که بعدها ساخته شد و موسوم بود به گنبد یا برج‏ فخر الدوله دیلمی و بعدها آن گنبد را«دزرشکان»و یا«دررشکان»میخوانده‏اند.

از قرار معلوم این محل در مغرب ری واقع بوده چونکه مشرق شهر خشک و بی‏آب بوده و برای‏ سکونت مناسب نبوده است.در سمت مغرب از روزگار پیشین باروئی استوار وجود داشته که سالها پس‏ از خرابی شهر باز باقی‏مانده بود و حتی در زمان فتحعلی شاه یک نفر سیاح انگلیسی کرپورتر نام‏ نقشه‏ای از آن قسمت که در میان بارو محصور بوده و امروز هم هنوز قسمتی از آن باقی است.بعنوان‏ محل شهر ری قدیم ترسیم نموده است که در کتاب سفرنامهء او در سال 1821 میلادی در لندن‏ بچاپ رسیده است.

نیمهء شرقی شهر در میان خندقی محصور بوده که بمروز زمان از اثر باد و طوفان و برف و باران پر شده و محو گردیده است.

رویهمرفته شهر ری عبارت بود از یک قلعه ویک شهر.شهر در جنوب کوهی قرار گرفته و قلعه در دامنهء آن کوه در شمال شهر واقع بوده است.

مهدی خلیفهء عباسی پدر هارون الرشید در زمان منصور خلیفهء عباسی هنگامی بخراسان بجنگ‏ عبد الجبارین عبد الرحمن میرفت چندی در شهر ری اقامت گزید(از سال 142 تا 144 هجری) و مسجد جامع و بناهای دیگری در آنجا بساخت و بنای این مسجد در سال 158 هجری پایان‏ یافت.و نیز او در دور شهر خندقی پی‏افکند و هارون الرشید هم در همین شهر بدنیا آمد و ری را بمناسبت نام محمد المهدی«محمدیه»خواندند.

شهر محمدیه مهمترین ضرابخانه بود و نام آن اغلب در روی سکه‏های دورهء خلفای عباسی‏ دیده میشود.

بنای شهر ری از گل و گاهی گچ و آجر بود و همانند دیگر شهرهای بزرگ آن زمان‏ از سه قسمت تشکیل مییافت:1-شهرستان.2-قهندز یا قلعه.3-بازار.

ارگ شهر بر بالای کوهی منفرد در شهرستان قرار داشت و از آنجا تمام شهر دیده میشد و مسجد جامع در نزدیکی قلعه بر کنار شهر داخلی ساخته شده بود.شهر بیرونی ری هرچند آباد بود ولی بازار نداشت و بازارها و عمارت در شهر داخلی که آنرا بعربی«ربض»میگویند بوده.

خانه‏ها در زیر زمین بنا شده بود و تاریک و تنگ و باریک بود و علت ساختن خانه‏ها در زیر زمین ترس از دشمن و قتل و غارت بود.مولانا در«دیوان شمس»فرموده:

«عاشقان سازیده انداز چشم بد خانه‏ها زیر زمین چون شهر ری‏‘

و نیز:

عمارتی است خراباتیان شهر مرا که خانه‏هاش نهان در زمین چوری باشد‘

قبور حضرت عبد العظیم و حضرت حمزه و امامزاده عبد اللّه و دیگر بزرگان دین اکثر در (1)-«مسالک و ممالک،(صفحهء 171)دربارهء کوه دماوند این عبارت آمده است«و همواره از سر دماوند رودی میخیزد»و باحتمال بسیار قوی میتوان کفت که کلمهء«رودی»باید«دودی»باشد.

جنوب و جنوب غربی شهر قدیم بود و ظاهرا آن قسمت شهر شیعه نشین بوده است برعکس سایر قسمتها که ساکنان آن از اهل سنت و جماعت بودند.

شیعه و سنی در ری پیوسته با یکدیگر در زد و خورد بودند و ظاهرا همین منازعات منجر بخرابی و ویرانی شهر گردید.

محله‏ها

محله‏های معتبر شهر از این قرار بوده است:

محلهء کلاهدوزان-محلهء سرای ایالت‏1-محلهء سادات کیکی-محلهء دروازهء آهنین-کوی‏ اصفهانیان‏2-کوی فیروزه‏3-محلهء دروازهء جاروب بندان-محلهء درکنده-محلهء پالانگران- محلهء باطان-محلهء در شهرستان-محلهء مسجد عتیق-قطب روده-رشتهء نرمه(یابرسه)-محلهء سرقلستان(یا سرنیال)-محلهء رویان.

نوشته‏اند که سرای حسن صباح رئیس معروف فرقه اسماعیلیه در ری کوچهء«صوفی» واقع بوده است.

دروازه‏ها

دروازه‏های مهم شهر از اینقرار بوده است:

1-دروازهء طاق(یا باب طاق)که بجانب«جبال»و عراق باز میشد و به بغداد میرفت.

2-دروازهء بلیسان در شمال غربی که بجانب قزوین باز میشد.

3-دروازهء کوهگین یا کوهک در شمال شرقی که از آنجا به مازندران میرفتند و آن دروازه را بدین نام میخواندند بمناسبت کوه کوچکی که در کنار آن واقع بود.

4-دروازه خراسان در مشرق که از آنجا بخراسان و قومس میرفتند و آنرا بمناسبت نام‏ هشام بن عبید اللّه که در ری مدفون دروازه هشام نیز میخواندند.

5-دروازهء سین که بسوی قم باز میشد.

6-دروازهء آهنین.

7-دروازه جاروب بندان.

8-دروازه دولاب بمناسبت اسم قصبه‏ای که امروز هم بهمین اسم باقی است.

9-دروازهء مهران که آنرا بتحریف بنامهای دیگری هم از قبیل«درزاد مهران»و«در آزاد مهران»و«زامهران»هم نوشته‏اند و در شمال غربی ری واقع بوده و دهکده‏ای هم که هنوز باسم«مهران»در همان محل باقی است از همان مهران قدیمی که مبلغی آبادتر بوده است حکایت‏ میکند.

در کتابها نام دروازهء دیگری هم برده شده است بنام دروازه غابش یا«درغابس»که از (1)-لابد اسم این محله سرای ایالت نبوده است و شاید نام آن محلهء دار الاماره یا اسمی ازین‏ قبیل بوده اشت.

(2)-آیا کوجهء اصفهانیان و کوچهء فیروزه دو محله بوده است و یا دو کوچه‏ بیش نبوده است بر راقم این سطور معلوم نگردید ولی دانشمند ارجمند آقای کریمان آن هر دو را جز و محله‏های ری بشمار آورده‏اند و لابد مدرکی داشته‏اند.

اما کس مهم شیفته‏نشینی شهر بوده است و امروز دیگر از محل واقعی آن نشانی در دست نیست ولی‏ احتمال داده‏اند که در شمال حرم کنونی حضرت عبد العظیم واقع بوده است.

دروازهء دیگری نیز بنام«باب مصلحگاه»یا«مصلحگان»1وجود داشته که آنرا هم احتمال‏ داده‏اند که در شمال غربی«درغایش»واقع بوده است.

مدارس

ری دارای مدارس متعدد بوده که نام بعضی از آنها در کتابها آمده است از قرا ذیل:

1-مدرسهء بزرگ سید تاج‏الدین محمد کیکی در محلهء کلاهدوزان که در عهد طغرل بنا شده بود.

2-مدرسهء شمس‏السلام حسکا بابویه که در عصر سلطان ملکشاه و سلطان محمد بنا شده بود.

3-مدرسهء خانقاه ریان متعلق بسادات کیکی که در عهد سلطان محمد بنا شده بود.

4-مدرسهء سید زاهد ابو الفتوح در محلهء دروازهء آهنین از بناهای عهد ملکشاهی.

5-مدرسهء فقیه علی جاستی در کوچهء اصفهانیان و از بناهای عهد ملکشاه.

6-مدرسهء خواجه عبد الجبار مفید که چهار صد فقیه و متعلم و متکلم از بلاد عالم در آن‏ درس میخواندند و در عصر ملکشاه و برکیارق احداث شده بود.

7-مدرسهء کوی فیروزه که بروزگار ملکشاه ساخته شده بود.

8-مدرسهء خواجه امام رشید رازی بدروازهء جاروب‏بندان که بالغ‏بر دویست طالب علم در آنجا تحصیل علم میکردند و بروزگار سلطان محمد بنیان یافته بود.

9-مدرسهء شیخ حیدر کلی.

10-خانقاه امیر اقبالی که در زمان ملکشاه ساخته شده بود.

11-خانقاه علی عصار که باز در زمان ملکشاه بنا گردیده بود.

شهر ری علاوه براین مدارس باز مدارس دیگری هم داشت که اسم آنها در کتاب«طبرسی‏ و مجمع البیان»نیامده است چونکه بنای آنها قبل از عصر طبرسی بوده است و همین مدارس و خانقاههائی که اسم برده شده است.بخوبی میرساند که سلاطین و بزرگان در آن دوره چه رغبتی‏ بساختن مدارس و نشر علم داشته‏اند.

ناتمام

(1)-آیا نمیتوان احتمال داد که«مسلخ‏گاه»باشد.(راقم این سطور)